

## تجربه نزدیک به مرگ (NDE) چیست؟



تجربه نزدیک به مرگ (NDE) زیاد اتفاق افتاده است و لی اطلاعات مربوط به آن هنوز جزئی است. داستان‌هایی که افراد از زمانی‌هایی تعریف می‌کنند که بنا به دلایل مختلفی همچون سکنه دچار ایست قلبی شده‌اند و برای چند دقیقه مردن را تجربه کرده‌اند حتما شنیدنی است.

معمولا از این افراد جملات همچون "من همه زندگی گذشته‌ام را جلوی چشمانم دیدم" و یا "به سوی روشنایی می‌رفتم" را بسیار تکرار می‌کنند. همه این جملات تنها زمانی بیان می‌شوند که شخص برای دقایقی "مرده" باشد و نکته جالب در مورد تمامی این تجارب شبیه بودن آنها به هم است.

اما اینکه دقیقا "تجربه نزدیک به مرگ" چیست و آیا تجاربی که بیان شده‌اند واقعی هستند و یا به تغییرات شیمیایی که در بدن رخ می‌دهند نسبت دارند موضوعی است که از لحاظ علمی ثابت شده و اینجا مورد بحث قرار خواهد گرفت. تاریخچه تجربه نزدیک به مرگ (Near dead experience):

دکتر "ریموند مودی" اولین فردی بود که سال 1975 در کتاب خود از این تجربه نام برد.

"زندگی بعد از زندگی" کتابی بود که در آن تجارب افرادی که تنها برای چند دقیقه مرده بودند جمع‌آوری شده بود و برای اولین بار برای عموم مطرح می‌شد.

اما گزارش افرادی که چنین تجربه‌ای را در زندگی خود داشته‌اند به سالیان سال قبل از آن هم بر می‌گردد.

"افلاطون" در کتاب تاریخی خود به عنوان "جمهوری" که سال 360 قبل از میلاد مسیح نوشته از خاطرات سربازی یاد کرده که در دوران جنگ بر اثر درگیری‌ها جان خود را برای چند دقیقه از دست می‌دهد. این سرباز از خارج شدن روح از بدنش و وارد شدن به جنگلی که شبیه بهشت بوده سخن گفته است.

حالات تشبیه شده در تجربه نزدیک به مرگ:

تقریبا تمامی افرادی که تجربه دقایقی مرگ را داشته‌اند اتفاقات شبیه به هم را عنوان کرده‌اند که چند نمونه آنها از این قبیل است:

احساس آرامش: احساس آرامش درونی و جسمی و حالت تسلیم در برابر مرگ

دیدن نور روشن: گاهی اوقات دیدن نورهای شدید که با وجود روشنی بسیار، آزار دهنده نیستند.

تجربه خروج از بدن: فرد احساس می‌کند که روحش از بدن جدا شده و خودش می‌تواند از بالا بدن بی‌جان را ببیند و حتی بعضی‌ها از خارج شدن روح از اتاق و گردش آن در آسمان سخن گفته‌اند.

وارد شدن به قلمرو: افراد معمولا احساس می‌کنند که وارد جهانی دیگر شده‌اند.

دیدن ارواح و فرشته‌ها: در بعضی موارد افرادی که تجربه دقایقی مرگ را داشته‌اند گفته‌اند نورهایی شکل فرشته‌ها را دیده‌اند. تونل: بسیاری از افراد از رد شدن تونلی سفید رنگ خبر داده‌اند.

ارتباط با فرشته‌ها: معمولا افرادی که دقایقی را در حالت مرگ سپری کرده‌اند از صحبت کردن با فرشته‌ای که صدای قوی

داشته خبر داده‌اند که به آنان گفته زمان مرگ آنها نرسیده و باید به جسم خود بازگردند. برخی‌ها این تجربه را با امکان انتخاب و برخی آن را با اجبار به برگشتن به جسم تجربه کرده‌اند.

بازبینی زندگی: فرد تمام زندگی قدیمش را همچون فیلمی جلوی چشمان خود می‌بیند که حتی با جزئیات همراه است.

کسانی که تجربه نزدیک به مرگ را داشته‌اند چه کسانی هستند؟

در سال 1982 کتابی در مورد این موضوع انتشار یافت که افراد تجارب خود را در این رابطه عنوان کرده بودند که هنوز هم به عنوان مرجعی برای این اتفاق به شمار می‌آید.

در این کتاب اشاره شده است که تقریبا 15 درصد تمام آمریکایی‌هایی که در حالت مرگ قرار گرفته‌اند از تجارب مشترکی با دیگران که همین تجربه را داشته‌اند سخن گفته‌اند. 11 درصد از وارد شدن به محیطی متفاوت، 8 درصد از دیدن نورهایی شبیه فرشته‌ها و تنها 1 درصد از نداشتن هر گونه تجربه‌ای در زمان خروج ایست قلبی کامل سخن گفته‌اند.

اما این اعداد و ارقام به تحقیقی که بیش از 20 سال قبل صورت گرفته باز می‌گردد و تحقیقات جدید نشان می‌دهد آمار افرادی که این تجربه را داشته‌اند و آن را در میان گذاشته‌اند بسیار بالاتر رفته است.

تحقیقات بیشتر محققان روی تأثیری که این تجربه در زندگی افراد گذاشته تمرکز کرده است. این تحقیقات نشان داده که

افراد که این تجربه را داشته‌اند احساس اطمینان بیشتری دارند و رفتار آنها نسبت به زندگی تغییر چشمگیری داشته است. تنها تعداد بسیار کمی از این افراد پس از این تجربه دچار حالات ترس و یا افسردگی شده‌اند.

تئوری‌های تجربه نزدیک به مرگ:

تئوری‌هایی که تجربه نزدیکی با مرگ را توصیف می‌کنند دو دسته هستند. علمی و ماوراء طبیعی. هیچکدام از این تئوری‌ها تأیید و یا تکذیب نشده‌اند و به اعتقاد فرد بستگی دارند.

تئوری‌های علمی:

علم هرگز نتوانسته است تا به طور قطعی اثبات کند که چطور فرد می‌تواند تجربه خروج روح از بدن و یا همان نزدیکی به مرگ را داشته باشد و هیچ توجیه علمی برای آن ارائه نشده است. آنچه که علم در مورد تجربه نزدیکی به مرگ عنوان می‌کند آن است که در حالی که آنان نظریه احتمال خروج روح از بدن و حتی دیدن دنیای دیگر را رد نمی‌کنند اما معتقدند که برخی از داروها می‌تواند توهم‌هایی را ایجاد کند که سبب می‌شود فرد تصور کند به مردن نزدیک شده است.

مکانیزم این تجربه بسیار عجیب؛ می‌تواند به سادگی یک بازیابی حافظه برای مغز و یک دوره کردن خاطرات باشد. مغز می‌تواند تحت تاثیر داروها یک سری اطلاعات غلط را صادر کند و در واقع از کار دست خود دور شود. آنچه فرد در تجربه نزدیک به مرگ می‌بیند همان تلاش مغز برای بازیابی اطلاعاتی است که بر اثر تاثیر داروها شکل درست خود را از دست داده است. برخی از محققان نیز تئوری را مطرح کرده‌اند که کمبود اکسیژن ارسالی به مغز نیز می‌تواند حالاتی را که بیماران توصیف کرده‌اند برای آنان به ارمغان بیاورد.

تئوری‌های ماوراء طبیعی:

نکته اساسی در تئوری‌های ماوراء طبیعی آن است که فردی که این تجربه را پشت سر گذاشته در واقع در حال تجربه کردن و به یاد آوردن مسائلی است که در زندگی او رخ داده و در ضمیر ناخود آگاه او هنوز زنده مانده است. بر اساس این تئوری وقتی که فرد به تجربه نزدیک به مرگ می‌رسد روح از بدن جدا می‌شود و به همین خاطر است که چیزهایی که در حالت عادی افراد نمی‌تواند آنها را ببینند تجربه می‌کند.

روح از جسم خارج می‌شود و به محیطی می‌رود که معمولا به همان تونل سفید رنگی تشبیه می‌شود که بسیاری از افراد آن را تجربه کرده‌اند و عنوان می‌کنند از آن گذر کرده و با دیگر فرشته‌ها ارتباط داشته‌اند. اما نکته جالب در مورد این تجربه آن است که گاهی اوقات افراد با اینکه با چشمان بسته در بیمارستان خوابیده و حتی مورد عمل جراحی قرار گرفته‌اند انگار که همه چیز را دیده باشند می‌توانند حتی رنگ بلوز پزشک معالج خود را بیاد بیاورند که این خود نوعی اثبات این تجربه است

همشهری آنلاین - المیرا صدیقی